

نکته



پیری فاجعه‌بار جمعیت‌چین

از زمانی که در دهه ۱۹۸۰ درهای اقتصادی در چین گشوده شد، اقتصاد این کشور با سرعت بسیار خوبی رشد کرد. در این دوران با تعدیل هزینه زندگی، تولید ناخالص داخلی به‌ازای هر نفر دهم‌ابر افزایش یافت. اما اکنون چین با باد مخالف مواجه است. اعتماد مصرف‌کننده کاهش یافته، بیکاری جوانان بالا رفته و اقتصاد در آستانه کاهش تورم قرار دارد. علاوه بر این، شاخص جمعیتی این کشور نیز که عامل یازدهم برای رشد کشورها به‌حساب می‌آید، در حال تبدیل شدن به یک عامل منفی جدی است.

در طول چهار دهه گذشته جمعیت در سن کار چین، بسیار سریع‌تر از تعداد افراد وابسته جوان و مسن رشد کرد. این موضوع در تئوری باعث افزایش سهم متوسط شهروندان از تولید ناخالص داخلی است. ویژگی‌ای که اغلب به‌عنوان «سود سهم جمعیتی» توصیف می‌شود. با این حال، یک مقاله جدید که توسط «شین منگ» از دانشگاه ملی استرالیا نوشته شده، تأثیر این مسئله بر موفقیت چین را کاملاً نقض می‌کند.

دکتر منگ داده‌هایی از سرشماری‌های ده‌ساله چین و برسی‌های بین سرشماری آن بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۱۵ در دست دارد. چین آمار دقیق جمعیت‌شناختی به‌روز را در دسترس عموم قرار نمی‌دهد، اما به برخی از محققان که دکتر منگ یکی از آن‌هاست، اجازه دسترسی داده است. دکتر منگ به اطلاعاتی در مورد سن، وضعیت کار و تحصیلات یک نمونه جمعیتی دسترسی داشته و مقاله خود را براساس این داده‌ها تدوین کرده است.

مطالعات او نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۵۱۵، جمعیت در سن کار چین (افراد بین ۱۶ تا ۶۵سال) از ۶۰۰میلیون به یک میلیارد از ۶۰درصد به ۷۳درصد رسیده، با این حال در همین دوره مشارکت نیروی کار از ۸۵درصد به بیش از ۷۰درصد کاهش نشان می‌دهد. بخش اعظم این کاهش ناشی از آن بوده که برخلاف روستاییان، مردان شهرنشین در سن ۶۵سالگی و مردان شهرنشین در سن ۵۵سالگی در معرض بازنشستگی اجباری قرار گرفتند.

در نتیجه این اتفاقات، نیروی کار چین در جایگاه سهمی از کل جمعیت تقریباً در این سال‌ها ثابت بوده و احتمال دارد که سود ناشی از جمعیت جوان که تحلیلگران از آن به‌عنوان یک مزیت یساد می‌کنند اصلاً وجود نداشته باشد.

بر اساس این مطالعه، احتمالاً کیفیت نیروی کار به‌جای کمیت آن توضیح بهتری برای رشد فوق‌العاده کشور چین در تولید ناخالص داخلی به‌ازای هر نفر است. از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۰، سهم افرادی که به دانشگاه رفته‌اند، ده‌برابر بیشتر شده و به ۳۸درصد ساکنان شهرها، رسیده است. در مناطق روستایی نیز نسبت افرادی که به سطح پایه تحصیلی دست یافته‌اند، بیش از دو برابر شده و نزدیک ۶۰درصد رشد نشان می‌دهد.

سال گذشته جمعیت چین برای اولین بار از دهه ۱۹۶۰ کاهش یافت، اما جمعیت در سن کار آن تقریباً از یک‌دهه قبل در حال کاهش است. بنابراین نگرانی فزاینده‌ای در این کشور وجود دارد که جمعیت آن ممکن است «پیر شده باشد قبل از اینکه ثروتمند شود.» اگر تغییرات جمعیتی گذشته عامل مهمی برای افزایش تولید ناخالص داخلی به‌ازای هر نفر نباشد، ممکن است این مسئله برای آینده این کشور هم آن چنان فاجعه‌بار به نظر نیاید. نتایج فوق نشان می‌دهد که چین اهرم‌های دیگری را بر عهده دارد سر کار می‌روند، انجام وظیفه مراقبت در خانه سخت‌تر می‌شود. «نومی پوپارو»، مدرس دانشگاه در «مکزیکوسیتی» چند سال پیش مادر ۹۲ساله خود را به‌خانه آورد. او می‌گوید: «دولت از انتظار خانواده‌گی سوءاستفاده می‌کند، وظیفه مراقبت دائم، زندگی من را محدود می‌کند.» طبق تحقیقات «بانک توسعه بین‌آمریکایی»، تمام هزینه‌های اضافی ناشی از پیری جمعیت باعث می‌شود بدهی‌های ناشی از تعهدات بازنشستگی در دولت‌های آمریکای لاتین تا سال ۲۰۶۵ به میزان ۳۸درصد درآمدهای شان بیشتر شود. این شکاف در اتحادیه اروپا ۱۰۷درصد است.

بررسی تبعات به جا مانده از سیاست‌های کنترل جمعیت

چرا نرخ زادوولد در چین کاهش یافته است؟

می‌یابد. مسئله این است که کاهش نیروی کار به‌عنوان مانعی برای رشد عمل می‌کند و افزایش تعداد سالمندان بر سیستم رفاهی فشار وارد می‌آورد، اما تحقیقات عملی در این زمینه چه می‌گویند؟

کودکان در کلاس‌های خصوصی آموزش می‌بینند) اثرات سرریز کاملاًمشهود است. سئونگ کیم از دانشگاه سجونگ و دیگران در یافته‌اند که وقتی خانواده‌های ثروتمند کمتر برای کلاس‌های خصوصی خرج می‌کنند، خانواده‌های کم‌درآمد نیز همین کار را انجام می‌دهند. بنابراین، سرریزها ممکن است در جایی اتفاق بیفتند که افراد انگیزه‌های اقتصادی یا اجتماعی قوی برای همگام‌شدن با دیگران داشته باشند. مسئله کاهش جمعیت و اثرات سرریز، پیامدهای تأسف‌باری برای چین دارد. دولت با تأخیر سعی کرده زوج‌ها را به داشتن فرزندان بیشتر تشویق کند، اما موفقیت چندانی به دست نیاورد. اگرچه سیاست تک‌فرزندی در سال ۱۶۲۰ به پایان رسید و چین در سال ۲۰۲۱ به سیاست سه‌فرزندی روی آورد، نرخ زادوولد افزایش نیافته است. نرخ باروری در سال ۲۰۲۱ تا ۱٫۲ پایین آمد که رکودی در افزایش جمعیت به حساب می‌آید. هزینه بالای بچه‌دار شدن به این معنی است که زوج‌ها تمایل کمتری به بچه‌دار شدن دارند. نرخ پایین زادوولد نیز به نوبه خود توسط سرریزها تقویت می‌شود و زوج‌های بیشتری را وادار به پیروی می‌کند. بنابراین، بدون وجود انگیزه‌های بیرونی، چین نمی‌تواند از این تله فرار کند.

راه‌حل دولت

از نظر تئوری اگر سرریزها برعکس عمل کنند، واداشتن یک قشر از جمعیت به داشتن فرزند، بیشترین تأثیر را خواهد داشت. برای این منظور، تلاش رهبران چین این است که آموزش خصوصی را از بین ببرند تا مسابقه تسلیحاتی آموزش را کند کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند زوج‌ها را از طریق پرداخت‌ها یا مزایایی برای فرزندان بیشتر تشویق کنند، اما تجربه نشان می‌دهد که چنین سیاست‌هایی نتایج ناچیزی دارند. چین در یافته که استفاده از زور برای محدود کردن تعداد تولدها بسیار آسان‌تر از افزایش آن بوده است.

منبع:اِکونومیست



بیشتر بوده است.

اثرات سرریز ممکن است به دو صورت عمل کند؛ اول اینکه زوج‌هایی بافرزندان کمتر، منابع بیشتری برای سرمایه‌گذاری روی هر فرزند دارند. زوج‌های دیگر شاید احساس کنند که در صورت تمایل به رقابت، به‌خصوص در زمینه‌هایی مانند آموزش، مجبورند از آن‌ها الگوبرداری کنند. راه دوم از طریق هم‌نوایی اجتماعی است. تأثیر اینکه برخی زوج‌ها فرزندان کمتری دارند، ممکن است این گونه باشد که دیگران هم تعداد فرزندان خود را محدود کنند. نویسندگان در یافته‌اند اقلیت‌های چینی که از نظر فرهنگی نزدیک به گروه قومی اصلی هستند، بیشتر تحت تأثیر کمپین «دیرتر، طولانی‌تر و کمتر» قرار گرفته‌اند.

تنها چین نیست که پیرو اثرات سرریز قرار گرفته؛ چنین تأثیراتی در کره جنوبی نیز دیده شده است. در این کشور با نرخ باروری پایین و تحصیلات گران قیمت (بسیاری از

تبعات به جا مانده از سیاست‌های کنترل جمعیت چین بر بدنه این کشور مشهود است. سال گذشته، جمعیت این کشور برای اولین بار از سال ۱۹۶۲ کمتر شد و جمعیت در سن کار آن پس از یک دهه کاهش

گزارش

ندااظهری

روزنشستگار

مقررات تنظیم خانواده مانند سیاست تک‌فرزندی به‌طور گسترده، در کاهش نرخ زادوولد مقصر شناخته می‌شود. اما ایده‌ای که کمتر مورد بررسی قرار گرفته این است که کاهش نرخ زادوولد باتکثیر در میان جمعیت، کاهشی بیشتر از سطح انتظار ایجاد می‌کند. هر چند شواهد کمی برای اثبات این موضوع وجود دارد، با این حال به نظر می‌رسد مقاله جدید در مورد تغییرات جمعیتی چین در ۵۰سال گذشته، اطلاعات جدیدی ارائه می‌دهد.

اثرات سرریز

تحقیقات پائولین روسی از دانشگاه فنی و مهندسی اکول واقع در پاریس و یون شیائو از دانشگاه گوتنبرگ سوئد در ژورنال انجمن اقتصادی اروپا نشان می‌دهد که سیاست‌های کنترل تولد «اثرات سرریز» دارند. به این معنی که اگر برخی زوج‌ها تعداد فرزندان خود را کم کنند، ممکن است منجر به کاهش تعداد فرزند در دیگران نیز بشود.

پروفسور روسی و شیائو داده‌های باروری را برای زنان متولد شده بین سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۴۵ بررسی کرده‌اند. این گروه جمعیتی در سنین باروری بودند که کمپین «دیرتر، طولانی‌تر و کمتر» در دهه ۱۹۷۰، برای شروع سیاست‌های تنظیم خانواده در چین به‌صورت جدی اعمال شد. این کمپین زوج‌ها را تشویق می‌کرد که دیرتر از دواج کنند، فاصله سال‌های بین باروری خود را افزایش دهند و تعداد کمتری بچه داشته باشند. بسیاری از اتفاقات مربوط به کاهش باروری در چین دقیقاً در این دوره اتفاق افتاد. طبق گزارش بانک جهانی، در سال ۱۹۶۹،نرخ باروری کل (متوسط تعدادفرزندانی کهانتظار می‌رود یک زن در طول زندگی خود بانرخ زادوولدفعلی داشته باشد) ۶٫۲ بود. یک دهه بعد، زمانی که سیاست تک‌فرزندی معرفی شد، این عدد به ۲٫۷ کاهش یافته بود.

جهان در آستانه ورود به سیاه‌چاله جمعیتی



حالی که بیشتر قاره‌ها از نظر رشد جمعیت یکنواخت خواهند بود.

کاهش ۵۰ درصدی

کره جنوبی بانرخ باروری ۰٫۸۴ در انتهای رتبه‌بندی قرار دارد. جالب اینجاست که بسیاری از پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان از جمله چین، هند و ایالات متحده همگی زیر سطح میانگین باروری جهانی قرار دارند. همچنین بخش‌هایی از اروپا و آمریکای شمالی از دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۹) به‌طور مداوم سطح باروری پایینی را تجربه کرده‌اند. میانگین نرخ باروری در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) در سطح جهان ۲٫۳ بود و هند و آمریکا به‌ترتیب ۲٫۵ و ۱٫۱۶۴ بود. نکته اینکه هند و آمریکا با وجود روند کاهش باروری، در جایگاه بهتری از چین بانرخ باروری حدود ۱٫۳ قرار دارند.

چرایی کاهش باروری

در ارتباط با چرایی کاهش نرخ باروری در جهان عوامل مختلفی دخیل‌اند. دشواری‌های معیشی مهم‌ترین عامل بروز این بحران به‌شمار می‌رود. بی‌تردید هنگامی که اقتصاد رو به نابسامانی می‌رود، زوج‌ها به‌طور موقت بچه‌دار شدن را به تعویق می‌اندازند؛ چرا که نسبت به آینده اطمینان مالی ندارند. «سقط‌چنین» نیز از دلایل دیگر کاهش نرخ تولد و جمعیت است. به‌عنوان مثال بسیاری از جمعیت‌شناسان و برنامه‌ریزان، ترجیح داشتن پسر در کشورهای آسیایی را مانع اصلی کاهش باروری می‌دانند. مردم برخی از این کشورها مانند کره جنوبی و چین به‌خاطر پایبندی شدید به ترجیح پسر، دست به سقط‌چنین می‌زنند. بنا به تحقیقی در چین، در این کشور سالانه ۱۳میلیون سقط‌چنین صورت می‌گیرد.

در طلوع قرن نوزدهم، جمعیت جهان به یک نقطه عطف بزرگ یعنی یک میلیارد نفر رسید. ۲۲۰سال بعد، این تعداد با افزایش هشت برابری به ۸میلیارد نفری که امروز روی کره زمین زندگی می‌کنند، رسیده است. این صعود مداوم در جمعیت جهان به لطف پیشرفت و بهبود مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه امکان‌پذیر شد. با این حال، طبق پیش‌بینی سازمان ملل به دلیل کاهش نرخ باروری، رشد سریع جمعیت کند شده و حتی ممکن است تا سال ۲۱۰۰ (۱۴۷۹) به‌طور کامل متوقف شود.

از ۱۰سال پیش تا امروز، نرخ باروری در جهان روندی نزولی به خود گرفته و در مجموع ۵۰درصد کاهش یافته است. به‌عنوان نمونه، اگر چه در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱)، متوسط خانواده‌های جهانی پنج فرزند داشتند، اکنون کمتر از سه فرزند دارند. البته بدون محاسبه مهاجرت، یک منطقه معین به نرخ کلی باروری ۲٫۱ برای حفظ جمعیت پایدار نیاز دارد.

بالا ترین و پایین ترین نرخ باروری

طبق گزارش سازمان ملل متحد، نزدیک به دو سوم جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که نرخ باروری، زیر آستانه بحرانی ۲٫۱ است. نیجریه در حال حاضر با ۶٫۹ بالاترین نرخ باروری را در جهان به خود اختصاص داده؛ به این معنا که یک زن در این کشور آفریقایی به‌طور متوسط در طول زندگی خود هفت فرزند خواهد داشت.

از لحاظ شمار بالای نرخ باروری به جز افغانستان (در رتبه چهاردهم)، همه ۳۰کشور برتر جهان در قاره آفریقا قرار دارند. تخمین زده می‌شود که جمعیت آفریقای کنونی ۱٫۴میلیارد نفری تا سال ۲۱۰۰ (۱۴۷۹) به ۲٫۵میلیارد نفر افزایش پیدا کند. در